

ORIGINAL ARTICLE

Transactions of Negotiable Instruments in the Face of Bankruptcy

Mohammad Shokri¹ , Ebrahim Taghizadeh²

1. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Professor of Private Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Mohammad Shokri
Email: mshokri@pnu.ac.ir

Received: 25/Feb/2023
Accepted: 01/Jan/2024

How to cite:
Shokri, M.; Taghizadeh, E. (2024). Transactions of Negotiable Instruments in the Face of Bankruptcy, Civil Law Knowledge, 13 (1), 45-58. (DOI: [10.30473/clk.2024.67209.3156](https://doi.org/10.30473/clk.2024.67209.3156))

ABSTRACT

One of the documents used in business activities is negotiable instruments, (draft, promissory notes and checks). Transactions related to negotiable instruments have a contractual nature due to the voluntary nature of the legal act and the reciprocity of the contract. bankruptcy prohibits the trader from financial transactions, including negotiable instruments. But because of the special features of these According to the Commercial Code, bankrupt transactions have the right to terminate before the suspension in certain circumstances, from suspension to the issuance of the bankruptcy order, some transactions are void and after the issuance of the ruling, it is also prohibited. during these periods, what are the effects and approach of issuing, endorsing, guaranteeing checks, promissory notes, and accepting you according to special characteristics? If it is before the suspension, and is subject to the right of termination, what effect does it have on the obligations of these documents? What is the approach to the annulment of a bankrupt obligation from suspension to the issuance of a sentence if the obligation under the commercial document is in the form of a peace agreement, a gift or a gratuitous transaction, or for the purpose of paying a debt? What are the effects and approach of banning bankrupt transactions on these documents? The present study is responsible for examining the legal approach and the specific effects of bankruptcy in the mentioned periods in different assumptions regarding the obligations arising from negotiable instruments.

KEY WORDS

Stop, Bankruptcy, Negotiable Instruments, Transactions.



«مقاله پژوهشی»

معاملات اسناد تجاری در مواجهه با ورشکستگی

محمد شکری^۱ , ابراهیم تقی‌زاده^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. استاد حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

محمد شکری

رایانامه: mshokri@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

استناد به این مقاله:

شکری، محمد؛ تقی‌زاده، ابراهیم (۱۴۰۳). معاملات اسناد تجاری در مواجهه با ورشکستگی، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۳ (۱)، ۴۵-۵۸.

(DOI: [10.30473/clk.2024.67209.3156](https://doi.org/10.30473/clk.2024.67209.3156))

چکیده

یکی از اسناد مورد استفاده در فعالیت‌های بازرگانی، اسناد تجاری (برات، سفته و چک) است. معاملات مربوط به اسناد تجاری با توجه به ارادی بودن عمل حقوقی و نظر به دوطرفه بودن ماهیت قراردادی دارند. ورشکستگی موجب ممنوعیت تاجر از معاملات مالی و از جمله معاملات اسناد تجاری است، لکن به دلیل ویژگی‌های خاص این اسناد، اثر آن گاه متفاوت از معاملات دیگر است. مطابق قانون تجارت معاملات ورشکسته قبل از توقف در شرایطی موجد حق فسخ است، از توقف تا صدور حکم ورشکستگی برخی معاملات باطل و پس از صدور حکم نیز ممنوع است. در دوران‌های مزبور صدور، ظهرنویسی، ضمانت از چک، سفته و برات و همچنین قبولی برات با توجه به ویژگی‌های خاص چه آثار و رویکردی دارد؟ چنانچه قبل از توقف باشد و مشمول حق فسخ باشد چه اثری نسبت به تعهدات این اسناد دارد؟ از توقف تا صدور حکم اگر تعهد به موجب سند تجاری به صورت صلح محاباتی، هبه یا معاملات بلاعوض و یا به جهت پرداخت دین باشد، رویکرد بطلان تعهد ورشکسته چیست؟ آثار ممنوعیت معاملات ورشکسته نسبت به این اسناد چگونه است؟ پژوهش حاضر عهده‌دار بررسی رویکرد حقوقی و آثار خاص ورشکستگی در ادوار مزبور در فروض مختلف نسبت به تعهدات ناشی از اسناد تجاری است.

واژه‌های کلیدی

توقف، ورشکستگی، اسناد تجاری، قرارداد.



مقدمه

اسناد تجاری در مفهوم خاص؛ یعنی برات، سفته و چک از اسنادی است که در فعالیت‌های اقتصادی و بانکداری مکرر مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرگونه ابهام یا نقص حقوقی راجع به این اسناد موجب مشکلات خاص و کاربردی در این حوزه است. ورشکستگی به عنوان رویدادی معمول در تعهدات ناشی از این اسناد تجاری مؤثر است. مطابق ماده ۴۱۸ ق.ت با صدور حکم ورشکستگی تاجر ورشکسته از دخالت در کلیه اموال خود ممنوع می‌شود، هدف از این ممنوعیت، حمایت از طلبکاران اوست. گاه ورشکستگی را در شمار انواع حجر تلقی کرده‌اند. (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱۱-۲۱۲) دیگران نیز تاجر متوقف را به عنوان محجور معرفی کرده‌اند. (صادقی و عباس‌پور، ۱۴۰۰: ۱۷۹) با توجه به عدم پذیرش وحدت حقوق خصوصی در ایران و تفکیک حقوق مدنی از حقوق تجارت (طالب‌احمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۰) به نظر می‌رسد در ادبیات حقوق کنونی استعمال واژه «حجر و محجور» برای ورشکسته صحیح نیست؛ زیرا قانون مدنی، محجورین را محصور به سه دسته شامل صغیر، مجنون و سفیه می‌داند. در قانون تجارت و سایر قوانین نیز از ورشکستگی به عنوان حجر ذکر نشده است. از طرفی مبنای ممنوعیت محجورین مذکور با مبنای ممنوعیت ورشکسته متفاوت است؛ زیرا در دسته اول مبنای منع، نقص در توانایی ذهنی و حمایت از شخص محجور است، حال آن که در مورد شخص ورشکسته مبنای منع چنین نقصی نیست، بلکه تاجر چه بسا از نبوغ ذهنی برتری نسبت به دیگران نیز برخوردار باشد؛ هدف از ممنوعیت وی، حمایت از طلبکاران اوست. از این‌رو استفاده از اصطلاح «حجر» مغایر با مفهوم تخصصی این واژه در قوانین جاری است و اضافه نمودن واژه سوءظنی بدان، ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد. در واقع، واژه «ورشکسته» خود دارای بار معنایی تخصصی کافی و آثار حقوقی با مبنای خاص خود است و نیازی به تلاش برای قراردادن آن به عنوان یکی از انواع حجر نیست.

پس از توقف یا ورشکستگی رابطه تاجر با طلبکاران از نوع رابطه خصوصی محسوب می‌شود که مقنن در نظام‌مندی آن از طریق قوانین و مقررات متناسب اهتمام دارد. (سیمایی صراف و امینی، ۱۳۹۹: ۲۶۱) ممنوعیت تاجر ورشکسته صرفاً نسبت به امور مالی و البته بر مبنای «اصل وحدت دارایی اشخاص»، در کلیه اموال و امور مالی شامل تمامی آنها اعم از اموال مربوط به تجارت و اموال مربوط به امور و فعالیت‌های غیرتجاری او می‌شود. (الماسی و شمس، ۱۳۹۶: ۱۳) یکی از مصادیق بارز دخالت تاجر در اموال خود در قالب تعهدات حاصل از اسناد تجاری (برات، سفته و چک) است. این اسناد متضمن تعهداتی هستند که

امضاکنندگان را در برابر دارنده مسئول پرداخت وجه مندرج در آن می‌کند. صدور (ایجاد)، انتقال، ضمانت و قبول اینگونه اسناد از اعمال ارادی محسوب می‌شوند؛ همچنین از نظر تحلیلی و قواعد عمومی قراردادها، اعمال ارادی چهارگانه مزبور که بر روی این اسناد صورت می‌گیرد، با توجه به اینکه، بین متعهد (امضاکننده) از یک طرف و متعهدله (دارنده) از طرف دیگر ایجاد می‌شود، دارای ماهیت قراردادی هستند.

ورشکستگی جزو وقایع حقوقی به شمار می‌رود؛ زیرا با وقوع آن اثراتی غیرارادی برای شخص ورشکسته ایجاد خواهد شد. مطابق ماده ۴۱۲ قانون تجارت ورشکستگی با توقف در تأدیه دیون تاجر حاصل می‌شود نه عدم کفایت دارایی او، توقف با عدم پرداخت یک دین محقق می‌گردد، البته دین مزبور باید مسلم باشد نه معلق یا غیرمسلم؛ عدم پرداخت سفته یا براتی که وی به عنوان صادرکننده، ظهنویس، ضامن و یا براتگیر امضا نموده است، کافی و مسلم تلقی می‌شود. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷ و ۱۱۸). ورشکستگی مسئولان تجاری مانع رجوع طلبکاران به آنان نیست و این امر در ماده ۲۵۱ ق.ت. تصریح شده است. برخی نویسندگان در موارد ورشکستگی مسئول سند تجاری با استناد به عبارت «طلب خود را کاملاً وصول نماید» در ماده مذکور، قائل به حق رجحان دارنده سند تجاری نسبت به سایر طلبکاران هستند. (کاتبی ۱۳۷۵: ۲۰۵) لکن رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰/۸/۶ با استدلال به اینکه دارنده سند تجاری در شمار دارندگان حق رجحان نیست و همچنین رعایت اصل تساوی دیان، اینگونه طلبکاران را فاقد حق رجحان دانسته است و اینگونه تشخیص داده که از اهداف تقنین ماده ۲۵۱ بیان و تأکید بر عدم زوال مسئولیت تضامنی با ورشکستگی مسئولان اسناد تجاری است. (شهبازی‌نیا و رضائی آکردی، ۱۳۹۱: ۱۳۳) در بیان هدف نگارش این نوشتار، وجود ویژگی‌های خاص این اسناد تجاری چک، سفته و برات است که باعث گونه‌ای تمایز تعهدات حاصل از آنها در مقایسه با سایر معاملات خواهد شد، این ویژگی‌ها ناشی از اصولی مانند اصل تجریدی بودن این اسناد و اصل استقلال امضاها می‌باشد که بر آنها حاکم است. از طرف دیگر نظر به شایع بودن استفاده از این اسناد به‌ویژه در بین تاجر و نقصان پژوهش در این زمینه انگیزه پردازش آن بوده است.

در نوشتار حاضر رویکرد حکم ورشکستگی نسبت به معاملات راجع به اسناد تجاری در سه مرحله؛ قبل از توقف، بعد از توقف تا صدور حکم و بعد از صدور حکم ورشکستگی به تفکیک مورد تحلیل قرار گرفته و در هر مورد آثار و راهکارهای منطبق با مقررات موجود و اصول حقوقی بررسی و طرح می‌شود.

معاملات اسناد تجاری قبل از توقف

ورشکستگی مختص تجار است، اطلاق ماده ۴۱۸ ق.ت.مضمن شمول نهاد ورشکستگی بر تمامی تجار اعم از حقیقی و حقوقی است. البته برخلاف قانون تجارت، ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی عدم پذیرش دادخواست اعسار و ضرورت درخواست ورشکستگی را به اشخاص حقوقی به نحو مطلق توسعه داده است، حال آنکه هر شخص حقوقی الزاماً تاجر نیست. (رمضان‌زاده؛ حسینی‌مقدم، ۱۴۰۰: ۲۴۱) برخی معیار ماده قانونی اخیرالذکر را در شرکت‌های دولتی (علی‌زاده؛ علی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۱۵)، شرکت‌های تعاونی اعم از اشتغال به تجارت یا غیرتجارت، وقف، مؤسسات و تشکیلات غیرتجاری و شاید تمامی مؤسسات عام‌المنفعه دارای شخصیت حقوقی را مشمول قواعد ورشکستگی دانسته لکن سازمان‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی را به دلیل منع قانونی توقیف اموال، خارج از شمول ماده ۱۵ قانون مذکور دانسته‌اند. (همان: ۱۱۰ و ۱۱۶-۱۱۵) همچنین در خصوص بانک با اینکه تاجر است ممکن است گاه توقف آنها لزوماً منجر به ورشکستگی نشود؛ به موجب ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۵۱/۴/۱) اولاً برخلاف سایر تجار، دادگاه قبل از تصمیم‌گیری نظر بانک مرکزی را جلب می‌نماید. ثانیاً به موجب ماده ۳۹ تحت شرایطی بانک مرکزی می‌تواند اداره آن بانک را به عهده گیرد یا ترتیب دیگری برای اداره بانک اتخاذ نماید و یا موجب لغو اجازه تأسیس بانک گردد. (تفرشی؛ شهبازی‌نیا؛ شیروانی، ۱۳۹۸)

یکی از الزامات تجار و درخصوص شرکت‌های تجاری، مدیران آنها، حسن مدیریت و ازجمله خودداری از معاملات مضر و منجر به توقف است. از این رو برخی با توسل به ظرفیت ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحی مبنی بر تکالیف عرفی، مدیران را از هرگونه تصرفاتی ممنوع دانسته‌اند که متعارفاً منجر به توقف شود. (صلحی؛ سلطانی، ۱۴۰۰: ۳۰۸) با وجود این سبب ورشکستگی می‌تواند به عللی از قبیل عدم کارایی و ضعف مدیریت، نقص ساختار درونی، نوسانات اقتصادی و گاه اعتصابات گسترده رخ دهد. (سیداحمدی سجادی؛ باقری، ۱۳۹۴: ۶۸) این عوامل چنانچه سبب توقف در پرداخت دیون تاجر باشد، ورشکستگی وی را محقق می‌سازد. صدور حکم ورشکستگی، حتی برخی معاملات تاجر ورشکسته مربوط به دوران قبل از توقف را نیز متأثر می‌سازد؛ به طوری که ماده ۴۲۴ ق.ت. برخی معاملات این دوران را قابل فسخ و ماده ۴۲۶ نیز بعضی معاملات را باطل دانسته است. اعمال حق فسخ درخصوص معاملات عادی و همچنین اثر بطلان با مشکلی مواجه نمی‌شود لکن در معاملات مربوط به اسناد تجاری نظر به ویژگی تجریدی

اینگونه اسناد، بطلان عمل حقوقی صدور یا ظهرنویسی تبعاتی به دنبال خواهد داشت؛ در صورت انتقال ممکن است با حقوق دارنده با حسن‌نیتی که هیچ اطلاعی از معاملات پایه و مبنای تعهد تجاری ندارد، به نحوی برخورد نماید، مطابق قوانین فعلی ما چگونه می‌توان راه حل منطقی اتخاذ کرد؟

۱. معاملات اسناد تجاری با قصد فرار از دین یا اضرار به طلبکاران

ماده ۴۲۴ قانون تجارت حتی در دوران قبل از توقف، ورشکستگی را نسبت معاملات با قصد فرار از دین یا اضرار به طلبکاران ورشکسته مؤثر دانسته است البته این تأثیر منوط به حصول شرایطی از جمله ضرر بیش از یک چهارم قیمت حین معامله می‌باشد. یکی از معاملات مالی تاجر در این دوران معاملات مربوط به اسناد تجاری است، چنانچه تاجر قبل از توقف با سوءنیت به عنوان ثمن معامله، مبادرت به صدور چک، سفته یا براتی نماید که متضمن ضرری بیشتر از ربع قیمت حین‌المعامله باشد و یا این اسناد را به همان نحو ظهرنویسی نماید، آیا ضمانت اجرای ماده قانونی مذکور در این گونه معاملات قابل اعمال است؟

با اتکا به استدلال مالی بودن ماهیت اقدام و تأثیر آن در دیون، پاسخ اصولاً مثبت است؛ چه ممنوعیت ماده ۴۱۸ و حکم بطلان مفهوم ماده ۵۰۰ ق.ت. اطلاق دارد و تعهدات ناشی از اسناد تجاری از حکومت آن استثنا نشده است. بر این مبنا باید به امکان فسخ توسط مدیر تصفیه نظر داد. اصولاً با فسخ معامله، تعهد تاجر در سند تجاری نیز باید به حالت قبل از آن یعنی عدم تعهد برگردد. فسخ معامله موجب ابطال عمل صدور یا ظهرنویسی نسبت به طرف معامله‌ای خواهد شد که به عنوان عوض یا ثمن از آن برخوردار شده است، از این رو، در چنین حالتی در پی تحقق اثر فسخ، اصولاً باید دارنده مزبور که در این رابطه براتی، طرف مستقیم تاجر ورشکسته است، سند تجاری را به عنوان عوض برگرداند. عودت سند در صورتی امکان‌پذیر است که اولاً وجه سند را تا آن تاریخ دریافت نکرده باشد، ثانیاً سند را در اجرای معاملات خود به شخص دیگری منتقل ننموده باشد. در حالت نخست، یعنی اگر قبلاً وجه آن را حسب مورد از محال‌علیه، برات‌گیر یا سایر متعهدین سند دریافت کرده باشد، سند تجاری در واقع از گردش خارج شده است و باید در مقابل استرداد معوض، وجه دریافت شده را به علت فسخ معامله به مدیر تصفیه برگرداند.

مقابل مسترد کرده است، اینجا تفاوت معاملات مربوط به اسناد تجاری با سایر معاملات عادی در اجرای مفاد ماده مزبور درک می‌شود. تنها راهی که برای جبران زیان ناشی از پرداخت مکرر فوق‌الذکر به نظر می‌رسد این است که ورشکسته متضرر مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی و دارا شدن بلاجهت به کسی که بدون سبب دارا شده است، مراجعه کند.

در مواردی که ورشکسته، ظهرنویس یا ضامن سند تجاری باشد و بر اساس مسئولیت تضامنی مجبور به پرداخت شود، امکان رجوع مدیر تصفیه تاجر ورشکسته به سایر مسئولان اسناد تجاری که آنها نیز ورشکست شده‌اند به موجب ماده ۲۵۱ ق.ت. سلب شده است؛ این تدبیر قانونی موجب دوگانگی در این باب شده است، اگر پرداخت‌کننده وجه سند تجاری غیرورشکسته باشد، امکان رجوع وی به دست‌های ماقبل (ظهرنویسان و صادرکننده) اعم از ورشکسته و غیرورشکسته به موجب ماده ۲۴۹ ق.ت. وجود دارد، لکن اگر ورشکسته به عنوان یکی از مسئولان تضامنی مجبور به پرداخت وجه سند تجاری شود، از سوی ماده ۲۵۱ حق رجوع وی به ظهرنویسان سابق و صادرکننده ورشکسته خود را ندارد و صرفاً به غیرورشکستگان می‌تواند رجوع کند.

برخی فلسفه این ممنوعیت را سبق ایجاد طلب دست‌های ماقبل دانسته‌اند و به همین دلیل مدیرتصفیه وی نمی‌تواند وارد گرمای ورشکسته سابق شود. (دمرجیلی، ۱۳۸۶: ۲۵۲) این امر قانونی از سوی برخی نویسندگان به دلیل عدم انطباق با اصل مسئولیت تضامنی مورد انتقاد واقع شده است؛ زیرا حق رجوع به مسئولان دیگر باید وجود داشته باشد تا در نهایت پرداخت بر عهده مسئول اصلی قرار گیرد. (اعظمی‌زنگنه، ۱۳۴۶: ۲۳۹) به نظر برخی نیز مراد مقنن از عبارت «چند نفر از مسئولین» در ماده ۲۵۱ زمانی است که تمامی مسئولین برات ورشکسته باشند، در غیر این صورت دارنده به مسئول غیرورشکسته باید رجوع نماید. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵: ۶۴) البته می‌توان گفت که ممنوعیت ماده ۲۵۱ ق.ت. محدود به دوران تصفیه ورشکسته است و بعد از ختم تصفیه امکان رجوع وی بر اساس ماده ۲۴۹ ق.ت. پابرجاست.

در دوران قبل از توقف به طور کلی معاملات خارج از شرایط ماده ۴۲۴ (قابل فسخ) و ۴۲۶ تاجر اصولاً صحیح و خارج از تأثیرپذیری حکم ورشکستگی است. بنابراین، معاملات بدون قصد فرار از دین یا اضرار به طلبکاران قبل از توقف تاجر که صوری و مسبوق به تبانی نیز نباشد، اصولاً صحیح است، مگر مطابق قواعد

در حالت دوم، یعنی چنانچه دارنده طرف معامله قبل از فسخ، با ظهرنویسی، سند تجاری را به دیگری انتقال داده باشد، در واقع از آن استفاده کرده و در حکم دریافت وجه سند است. بنابراین، در این حالت دارنده مزبور باید وجه مندرج در چک، برات یا سفته را به مدیر تصفیه تأدیه نماید، ولی مسئله اینجاست که با توجه به ویژگی خاص اسناد تجاری که کلیه متعهدین در برابر دارنده مسئولیت تضامنی دارند، ممکن است دارنده با حسن‌نیت به دلیل عدم پرداخت براتگیر یا فقدان موجودی صادرکننده چک در بانک محال علیه، به عنوان یکی از مسئولان سند، به شخص ظهرنویسی مراجعه نماید که سند تجاری از ورشکسته کنونی به او منتقل گردیده است، در این صورت وی در واقع دوبار محکوم به پرداخت مبلغ سند شده است؛ یکبار که قبلاً در اجرای فسخ ناشی از اعمال ماده ۴۲۶ قانون تجارت مبلغ را به مدیر تصفیه تأدیه نموده است و یکبار هم به دارنده با حسن‌نیت. راهکار حقوقی این وضعیت این است که ظهرنویس مزبور پس از پرداخت به دارنده، به استناد دارا شدن بلاجهت به ورشکسته رجوع نماید، در این صورت مطابق مقررات فعلی باید وارد غرما شود.

جهت تبیین، مطلب در قالب مثال بیان می‌شود. شخص «الف» که تاجر است در دوران قبل از توقف کالایی از «ب» خریداری و بابت آن چکی به نفع وی صادر می‌نماید. پس از آن «الف» متوقف و سپس حکم ورشکستگی او صادر می‌گردد، چون معامله متضمن یک ربع ضرر حین معامله است، مدیر تصفیه «الف» اقدام به فسخ معامله می‌کند و کالا را عودت می‌دهد و چک را از «ب» مسترد می‌نماید. لیکن اگر «ب» وجه چک را دریافت کرده باشد یا با ظهرنویسی آن را به «ج» منتقل نموده باشد، با اعمال فسخ، چون چک در دست وی (ب) نیست، به جای چک، باید وجه مندرج در چک را به مدیر تصفیه بپردازد. حال «ج» که دارنده با حسن‌نیت است به دلیل برگشت چک به «ب» به عنوان ظهرنویس رجوع می‌نماید. «ب» مجبور است وجه چک را به وی نیز بپردازد، در این حالت وی جهت جبران خسارت پرداخت مجدد، راهکاری جز این ندارد که بر مبنای دارا شدن بلاجهت در گرمای ورشکسته (الف) وارد شود.

چنانچه دارنده مزبور (ج) به مدیر تصفیه «الف» مراجعه کند، وی هر چند در ردیف غرما باید وجه را به «ج» مجدد پرداخت نماید، حال آنکه در اجرای فسخ، مدیر تصفیه قبلاً با دریافت وجه سند، مورد معامله (معوض و مابه‌ازاء سند تجاری) را به طرف

۱. برات و سفته با ظهرنویسی منتقل می‌شود، اما اگر متعهد کلمه حواله‌کرد را خط زده باشد، مستفاد از ماده ۱۱ کنوانسیون ژنو قابل ظهرنویسی نیست. (عرفانی، ۱۳۸۵: ۷۵)

عمومی قراردادهای به دلایلی دیگر مانند حجر یا نامشروعیت جهت معامله و تصریح بدان حسب مورد غیرنافذ یا باطل باشد.

۲. معاملات اسناد تجاری صوری یا مسبوق به تبانی

مطابق ماده ۴۲۶ قانون تجارت «اگر در محکمه ثابت شود که معامله به طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است، آن معامله خودبخود باطل و عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه‌ای خواهد برد». چنانچه مصداق این قسمت از ماده مزبور تعهد در قالب اسناد تجاری باشد و ورشکسته به نحو صوری و یا با تبانی و برای مدیون نشان دادن خود به طور غیرواقعی اقدام به صدور یا ظهرنویسی سند تجاری و یا قبول برات نموده است؛ عمل مطابق تصریح ماده مزبور و همچنین قواعد عمومی قراردادهای به علت فقدان قصد باطل و بلااثر بوده و تعهد صورت گرفته کان لم یکن تلقی می‌شود. مساله قابل بحث در خصوص تبعات این بطلان نسبت به تعهدات سند تجاری است، آیا دارنده با حسن نیت می‌تواند به ورشکسته به عنوان یکی از متعهدین سند رجوع نماید؟ در پاسخ باید گفت به دلیل بطلان عمل حقوقی تاجر ورشکسته، دارنده اعم از اینکه با حسن نیت باشد یا بدون حسن نیت، نمی‌تواند به مدیر تصفیه یا اداره امور ورشکسته و یا هیأت طلبکاران جهت اخذ مبلغ سند رجوع نماید؛ زیرا به موجب قانون به نحو امره نتیجه عمل حقوقی مزبور بطلان است، وضعیت بطلان موضوع ماده ۴۲۶ مزبور از نظر نتیجه بطلان با عمل مجنون و صغیر غیرممیز قابل مقایسه است؛ این بطلان موجب عدم مسؤولیت مطلق خواهد بود؛ زیرا حتی دارنده با حسن نیت نیز حق رجوع به او ندارد. از این رو باید ورشکستگی را نیز از استثنائات وارد بر اصل عدم توجه ایرادات دانست.

با حصول شرایط ماده ۴۲۶ ق.ت. یعنی اثبات صوری بودن یا سابقه تبانی معامله مزبور باطل، در نتیجه سند تجاری باید به مدیر تصفیه مسترد شود، چنانچه سند تجاری با ظهرنویسی به دست‌های بعدی منتقل شده باشد، دارنده باید مبلغ مندرج در آن را به عنوان قیمت مسترد دارد و با حدوث ورشکستگی طرف مقابل بابت طلب ناشی از بطلان معامله جزو غرما حصه خواهد برد.

معاملات اسناد تجاری پس از توقف تا صدور حکم ورشکستگی

مرحله بعدی از زمان حدوث توقف در پرداخت دین یا دیون تاجر تا قبل از صدور حکم ورشکستگی است. در خصوص توقف

معیارهایی شامل توقف ظاهری، توقف واقعی و معیار عدم پرداخت دین و سلب اعتبار تاجر بیان شده است. نویسندگان در این باره به خوبی به تبیین موضوع پرداخته‌اند. (محمدزاده‌وادقانی، کاویانی و بیگلرلو، ۱۳۹۹) از این رو، به جهت عدم تکرار از بیان آنها خودداری می‌شود.

با توقف تاجر، در واقع عنصر اساسی ورشکستگی او فراهم می‌آید و متعاقب آن در پی صدور حکم ورشکستگی ممنوعیت مداخله تاجر آغاز می‌گردد، حمایت از طلبکاران، ایجاب می‌کند پس از توقف، دخالت و اعمال حقوقی تاجر در اموال وی مورد سوءظن واقع شود. از همین رو نویسندگان از توقف تا صدور حکم ورشکستگی را «دوران مشکوک» گویند. (اسکینی، ۱۳۸۷: ۸۴) «بطلان همه معاملات تاجر پس از توقف با نظم عمومی اقتصادی همخوانی ندارد». (بنایی‌اسکویی، ۱۳۹۴: ۲۰) با توجه به ابتدای ماده ۴۲۳ ق.ت. بر اصل صحت معاملات تاجر در این دوران (بادینی و کوشکی، ۱۳۹۹) معاملات معوض در دوره توقف تا صدور حکم ورشکستگی اصولاً صحیح است. (حسنی، ۱۳۸۳: ۶۲۴) لکن مقنن برخی از انواع معاملات که اصولاً به ضرر طلبکاران واقع می‌شود را باطل و بلااثر اعلام کرده است. بر این اساس، تعهدات ناشی از اسناد تجاری تاجر در دوران مشکوک اصولاً صحیح است، لکن در برخی موارد به موجب قانون بلااثر و باطل است و همان‌طور که دیگران نیز گفته‌اند علم و جهل اشخاص ثالث و حتی خود تاجر در بی‌اعتباری این معاملات مؤثر نیست. (بنایی‌اسکویی، ۱۳۹۴: ۲۰)

جهت تبیین موضوع مصادیق بندهای ماده ۴۲۳ ق.ت. در قالب اعمال حقوقی که بر روی اسناد تجاری صورت می‌گیرد، باید بررسی شود. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود: ۱. هر صلح محاباتی یا هبه و به‌طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیرمنقول باشد. ۲. تأدیه هر قرض اعم از حال یا موجد به هر وسیله ای که به عمل آمده باشد. ۳- هر معامله ای که از بندهای ذکرشده بند سوم در موضوع بحث مصداق نخواهد داشت، لکن بند اول و دوم قابل تحقق است.

۱. صلح محاباتی اسناد تجاری

صلح محاباتی صلحی است که عوض مورد صلح ناچیز باشد. آنچه صلح شده است، می‌تواند کالا یا تعهد باشد. در خصوص اعمال این بند در معاملات مربوط به اسناد تجاری باید گفت در این حالت سند تجاری به عنوان مورد صلح از طریق صدور یا

بنابراین، ماده ۷۷۰ قانون مدنی صلحی که بر طبق مواد ۷۶۸ و ۷۶۹ واقع می‌شود را جز در مورد مشروط قابل فسخ ندانسته است، حال چنانچه در این دوران - بعد از توقف تا صدور حکم ورشکستگی - تاجر در عوض مال الصلحی که می‌گیرد به وسیله اسناد تجاری درصدد اجرای تعهد خود جهت پرداخت نفقه تعیین شده برآید و در این راستا مبادرت به صدور یا ظهرنویس یک یا چند سند تجاری نماید، آیا سلب حق فسخ در قانون مدنی امکان ابطال به استناد ماده ۴۲۳ قانون تجارت را در این مورد خاص، با تردید مواجه نمی‌کند؟

در نگاه اول ممکن است گونه‌ای تعارض در این مواد به نظر برسد، ولی به چند دلیل می‌توان این تردید را برطرف کرد: نخست اینکه آنچه در ماده ۷۶۸ ملاحظه می‌شود، صلح معوض است نه صلح محاباتی؛ در صورتی که در بند ۱ ماده ۴۲۳ قانون تجارت صلح محاباتی مشمول حکم بطلان واقع شده است. در ثانی آنچه به موجب ماده ۷۷۰ قانون مدنی نفی شده «فسخ» می‌باشد؛ در صورتی که در بند ۱ ماده ۴۲۳ قانون تجارت «بطلان و بلااثر بودن» موضوع حکم قرار گرفته است.

۲. هبه و انتقال بلاعوض اسناد تجاری

بر اساس بند ۱ ماده ۴۲۳ ق.ت. در مواردی نیز که سند تجاری در قالب هبه به دیگری منتقل شود و یا تاجر متوقف به صورت بلاعوض در خصوص سند تجاری خود را متعهد نماید، به عنوان مثال تاجر پس از توقف مبادرت به صدور چکی به طور رایگان به نفع شخص نماید و یا بدون اینکه مدیون صادرکننده برات باشد آن را قبول و وجه برات را پرداخت کند. در این موارد بنا به تصریح ماده ۴۲۳ ق.ت. باطل و بلااثر بوده، در نتیجه وضعیت باید به حالت قبل از آن برگردد. در این موارد نتیجه به نحو مذکور در بند قبل خواهد بود. بطلان در این ماده استثنا محسوب شده، بنابراین در موارد عکس، یعنی در حالتی که سند تجاری به صورت صلح محاباتی، هبه یا بدون عوض به تاجر انتقال یا به نفع وی تعهدی صورت می‌گیرد، به نفع طلبکاران ورشکسته است و باطل نیست.

۳. تأدیه قرض به وسیله اسناد تجاری

مقنن تقدم برخی طلبکاران را پس از توقف، مواضع و تبانی برای تعدی به حقوق سایر طلبکاران محسوب کرده است؛ احتمال ایجاد طلبکاران صوری و در نتیجه سوءاستفاده و همچنین ترجیح برخی بر دیگران سبب جرم‌انگاری و تحقق ورشکستگی به تقصیر گردیده است. (رحمدل، ۱۳۸۶: ۱۲۹) علاوه بر آن بند دوم ماده ۴۲۳ قانون

ظهرنویسی در مقابل عوض ناچیزی به طرف مصالحه منتقل می‌گردد، در این صورت، مطابق تصریح بند مذکور انتقال مزبور را باید باطل و بلااثر دانست، اثر این بطلان نسبت به دارنده مستقیم باید بدون تردید پذیرفته شود، در نتیجه تعهد موجود در سند تجاری که پرداخت وجه معینی است با بطلان معامله سالبه به انتفاء موضوع می‌گردد. چنانچه وجه سند تجاری مورد صلح از طرف دارنده (منتقل الیه) وصول شده باشد با ابطال چنین انتقالی، وی مکلف به استرداد وجه مزبور خواهد بود.

مسئله زمانی مطرح می‌شود که دارنده مستقیم طی معاملات بعدی آن را به شخص دیگری انتقال داده و ممکن است سند مربوطه چندین بار مورد نقل و انتقال واقع شده باشد. در این حالت حقوق دارنده با حسن نیت که حین تملک سند نسبت به بطلان آگاه نبوده است چگونه حفظ خواهد شد؟ آیا دارنده با حسن نیت ممکن است با استناد به ماده ۲۴۹ قانون تجارت مطابق مقررات قانونی به تاجر ورشکسته به عنوان یکی از متعهدین سند مراجعه کند؟

اولاً باید گفت با توجه به تصریح صدر ماده ۴۲۳ قانون تجارت اثر این معاملات بطلان است؛ یعنی خودبه‌خود بلااثر تلقی می‌شود، ثانیاً این ماده و مقررات مربوط به ورشکستگی از موارد مربوط به نظم عمومی به شمار می‌روند. بنابراین، یا باید در جهت حفظ اعتبار اسناد تجاری به دارنده با حسن نیت امکان مراجعه به اموال ورشکسته با غرما داده شود و یا اینکه نظر به تصریح قانون به باطل بودن و از طرفی جنبه نظم عمومی این مواد قانونی، بطلان را در مقابل تمامی اشخاص از جمله دارنده بدون حسن نیت و دارنده با حسن نیت مؤثر دانست. پذیرش نظر دوم، نظر به فلسفه ورشکستگی و دلایل ذکر شده منطقی‌تر است. بنابراین، تعهد ناشی از سند تجاری اصولاً باطل تلقی می‌شود، لکن نظر به ویژگی‌های خاص این تعهدات، اصل استقلال امضاها و خاصیت تجردی آنها و ماده ۲۴۹ قانون تجارت، دارنده با حسن نیت می‌تواند به سایر متعهدین اسناد تجاری مراجعه کند.

به موجب ماده ۷۶۸ قانون مدنی «در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال الصلحی که می‌گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند، این تعهد ممکن است به نفع طرفین مصالحه یا به نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود». در ماده ۷۶۹ نیز آمده است: «در تعهد مذکوره در ماده قبل به نفع هر کس که واقع شده باشد ممکن است شرط نمود که بعد از فوت منتفع نفقه به وارث او داده شود». در نهایت مطابق ماده ۷۷۰ «صلحی که بر طبق دو ماده فوق واقع می‌شود به ورشکستگی یا افلاس متعهد نفقه فسخ نمی‌شود مگر اینکه شرط شده باشد».

دریافت‌کننده (دارنده) مسترد و سپس در ردیف غرما مطابق مقررات ورشکستگی حصه خواهد برد؛ زیرا در این فرض اگر به استناد سایر مصایق مواد قانونی از جمله صوری بودن یا وجود تبانی در قبول برات، منشا تعهد باطل نباشد، با توجه به اینکه مربوط به دوران قبل از صدور حکم ورشکستگی است، صرفاً پرداخت باطل است نه الزاما تعهد ناشی از قبول برات.

در این فرض بی‌اثر بودن پرداخت قرض مطلق بوده و حتی در مقابل دارنده با حسن‌نیت هم مؤثر است؛ زیرا همان‌طور که گفته شد مقررات مربوط به ورشکستگی مربوط به نظم عمومی بوده و آمره تلقی می‌شود، رعایت مصلحت طلبکاران و تساوی بین آنان در استفاده از اموال باقیمانده، این‌گونه اقتضا می‌کند. البته در فرض مذکور دارنده با حسن‌نیت می‌تواند به سایر متعهدین سند اعم از صادرکننده، ظهنویسان یا ضامنان مراجعه کند.

نکته قابل ذکر اینکه پرداخت وجه چک تضمین شده به طور کامل حمایت شده است. (خزاعی، ۱۳۸۵: ۱۷۵) در ماده ۳ قانون چک‌های تضمین شده مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲ آمده است: «فوت یا حجر و ورشکستگی صادرکننده چک تضمین شده خللی به حقوق دارنده چک وارد نخواهد ساخت. طلبکاران صادرکننده نیز حق توقیف وجه این نوع چک را در صورتی که به نفع دیگری صادر یا پشت‌نویسی شده باشد نخواهند داشت». از این‌رو یکی از استثنائات وارد بر بند دوم ماده ۴۲۳ قانون تجارت، را باید ماده ۳ قانون چک‌های تضمین دانست. با توجه به سیاق نگارش ماده فوق منظور عارض شدن سه عامل فوق از جمله ورشکستگی مشخص و واضح است. بنابراین، مقرر ذکرشده مربوط به حالتی است که صدور یا ظهننویسی چک قبل از صدور حکم ورشکستگی است که می‌تواند قبل یا بعد از توقف باشد. برخی با اینکه این ماده را استثنایی بر بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت دانسته‌اند، ولی اظهار کرده‌اند: «لازم به ذکر است که حکم ماده راجع به فرضی است که چک قبل از توقف و صدور حکم ورشکستگی صادر شده باشد و صادرکننده بعد از صدور [چک] ورشکسته شود». (دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۶۳) در صورتی که اطلاق ماده دوران قبل و بعد از توقف تا قبل از صدور حکم ورشکستگی را دربرمی‌گیرد و هیچ قیدی وجود ندارد که حکم ماده را مختص صدور در زمان قبل از توقف نماید.

معاملات اسناد تجاری پس از صدور حکم ورشکستگی
در فقه اصلاح «مفلس» تقریباً نزدیک به ورشکسته است. مفلس شخصی است که اموال کافی برای پرداخت دیون ندارد و نسبت

تجارت پرداخت هر نوع دین به هر طریق را در دوران بعد از توقف تا قبل از صدور حکم ورشکستگی را باطل و بلااثر اعلام کرده است؛ خواه پرداخت قرض نقداً یا به وسیله برات، سفته چک و یا سایر اسناد و اوراق بهادار باشد. (عرفانی، ۱۳۸۲: ۸۶) البته برخی برخلاف اطلاق مقرر قانونی، بطلان پرداخت دستمزد کارکنان شرکت تجاری پس از توقف را برخلاف مصلحت دانسته‌اند. از این‌رو، با این استدلال که حقوق و دستمزد کارکنان باید جزو هزینه‌های ادامه فعالیت شرکت محسوب شود، نظر به پرداخت آن قبل از سایر دیون داده‌اند. (بادینی و کوشکی، ۱۳۹۹: ۲۵)

«نتیجه بطلان معامله در این دوره این است که طرفین باید مبلغ یا مالی را که دریافت کرده‌اند، استرداد کنند، لیکن اگر عین مال طرف معامله ورشکسته موجود نباشد یا عوض اعطایی او وجه نقد بوده باشد، طرف معامله می‌تواند به عنوان طلبکار در صف غرما وارد شود». (دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۶۲) یکی از رایج‌ترین وسایل پرداخت دین در بین تجار صدور یا ظهننویسی اسناد تجاری است، بدین نحو که به جای پرداخت وجه نقد، مبلغ مذکور را از طریق انتقال سند تجاری (چک، سفته یا برات) به طلبکار انتقال می‌دهد، البته پرداخت دین می‌تواند با قبول برات هم صورت گیرد. یکی از اساتید، صدور برات بین تاریخ توقف و صدور حکم ورشکستگی را به استناد ماده ۴۲۳ ق.ت. فاقد اثر به زیان سایر طلبکاران دانسته است. (فخاری، ۱۳۸۷: ۲۹) قید به زیان طلبکاران در عبارت این نویسنده برخلاف اطلاق بطلان در ماده ۴۲۳ ق.ت. است. این اقدامات در دوران بین توقف و صدور حکم ورشکستگی بنا به تصریح قانون، عمل مزبور باطل و بلااثر است. این موضوع از سوی برخی مورد انتقاد واقع شده است و همانند حقوق فرانسه به لزوم عدم بطلان و استثنا شدن پرداخت دین به وسیله اسناد تجاری برای جلوگیری از تزلزل شدن اعتبار آنها نظر داده‌اند. (عرفانی، ۱۳۷۵: ۱۹۵-۱۹۶) در اثر بطلان، چنانچه عین سند تجاری نزد دارنده موجود باشد آن را مسترد و اگر به دلیل دریافت وجه یا ظهننویسی موجود نباشد، باید مبلغ آن را به مدیر تصفیه تأدیه نماید، البته در این فرض چنانچه دارنده، سند را ظهننویسی و به دیگری انتقال داده باشد، می‌تواند بر مبنای اصل استقلال امضاها به سایر متعهدین سند تجاری مراجعه نماید.

چنانچه پرداخت دین پس از توقف در قالب قبول برات صورت گرفته باشد، در صورتی که هنوز مبلغ سند را پرداخت نموده و حکم ورشکستگی صادر گردد، با بطلان تأدیه دین، دارنده داخل در غرما خواهد شد و چنانچه قبل از صدور حکم ورشکستگی وجه برات پرداخت شود، وجه پرداخت شده از

تاجر ورشکسته پس از صدور حکم ورشکستگی بنا به تصریح ماده ۴۱۸ قانون تجارت از دخالت در کلیه اموال خود ممنوع است و در خصوص تمام اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون است، مدیر تصفیه قائم مقام وی می‌گردد. از طرف دیگر به موجب ماده ۵۰۰ قانون تجارت «معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود، مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد».

مفهوم مخالف ماده اخیرالذکر، بطلان معاملات مالی تاجر ورشکسته پس از صدور حکم ورشکستگی تا تصدیق قرارداد ارفاقی است. ممنوعیت دخالت تاجر ضمانت اجرای بطلان و بلاثر بودن اعمال حقوقی وی را موجب می‌شود؛ زیرا اعمال مزبور توسط شخصی انجام شده است که قانوناً توانایی انجام آن را نداشته است و اختیارات مالی او به دیگری یعنی مدیر تصفیه به عنوان قائم مقام قانونی واگذار شده است. دیگران نیز به مسلوب الاختیار بودن و بطلان معاملات مالی بعد از صدور حکم ورشکستگی اشاره کرده‌اند. (طالب احمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳؛ حسنی، ۱۳۸۳: ۶۲۴)

در همین راستا بخشنامه شماره ۱/۴۱/۲۸۷۰۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۵ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به شرح ذیل مقرر می‌دارد: «نظر به اینکه در ماده ۴۱۸ قانون تجارت مقرر شده (تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال حتی ... حقوق مزبوره استفاده کند). با این حال، حسب اعلام اداره تصفیه و امور ورشکستگی بعضی از واحدهای ثبتی از صدور سند مالکیت المثنی به نام مرجع مزبور خودداری می‌نمایند، لذا مقتضی است به کلیه واحدهای ثبتی اعلام گردد از این به بعد پس از تسلیم مدارک لازم از طرف اداره مذکور برابر تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت با رعایت مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی به نام اداره تصفیه و امور ورشکستگی اقدام نمایند».

معاملات و تعهدات مربوط به اسناد تجاری که توسط تاجر ورشکسته پس از صدور حکم صورت می‌گیرد، با توجه به ایجاد تعهدات مالی مصداق کامل دخالت در اموال و حقوق مالی محسوب می‌شود؛ به ویژه اینکه با توجه به مقررات خاص حاکم بر این اسناد و مسئولیت تضامنی متعهدین آن، اهمیت تعهدات ناشی از این اسناد مضاعف می‌گردد. آیا تاجر ورشکسته می‌تواند به عنوان دارنده اسناد تجاری طرف معامله واقع شود؟ انتقال سند به دارنده در واقع ناشی از عمل حقوقی است که بین صادرکننده یا ظهرنویس و منتقل‌الیه یعنی دارنده جدید صورت می‌گیرد و از طرفی نظر به ماهیت اسناد تجاری، که همیشه تعهد مندرج در

به این امر و ممنوعیت وی حکم صادر گردد؛ بدون نظر مخالف در این باره وی از تصرف در اموال موجود خود ممنوع می‌گردد؛ خواه این تصرفات معوض باشد یا غیرمعوض و بدون تردید رعایت احتیاط و به نفع غرما همین است. (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۸۲) ضرورت قصور اموال از دیون نیز بیان شده است و حالت زیادتی یا تساوی اموال با دیون خارج از شمول آن است. (ربانی بیرجندی، ۱۳۳۱: ۲۲۷) در خصوص آثار حقوقی حکم ورشکستگی دو مورد را باید از یکدیگر تفکیک نمود؛ یکی معاملات قبل از صدور حکم و دیگری معاملات بعد از صدور حکم. معاملات تاجر قبل از صدور حکم ورشکستگی اصولاً صحیح است و ورشکستگی بر این دسته تأثیر ندارد، مگر موارد مصرحه در قانون؛ (در مباحث قبل بررسی گردید) علاوه بر آن حال شدن دیون مؤجل را نیز باید یکی از آثار ناشی از حکم ورشکستگی بر تعهدات پیشین دانست. مطابق مواد ۴۲۱ ق.ت. به نحو کلی تمام دیون و از جمله دیون ناشی از اسناد تجاری ورشکسته با رعایت تخفیفات مقتضیه به نسبت مدت حال می‌شود. بنابراین، اگر براتی را قبول کرده و یا سفته یا چکی مدت‌دار صادر کرده، دین ناشی از آنها حال شده و با غرما حصه خواهند برد، اثر حال شدن دین ناشی از برات (البته با قابلیت جایگزینی دادن تأمین برای پرداخت در سر وعده) به موجب ماده ۴۲۲ حتی به سایر مسئولان نیز تسری یافته است. رویکرد این مقررره حمایت بیشتر از دارنده‌ای است که محال‌علیه آن ورشکسته شده و پرداخت آن را دست کم به‌طور کامل و نسبت به تمام وجه سند براتی با تردید مواجه نموده است. برخی نویسندگان از جمله ایرادات وارد به مقررات مذکور نیاز یا عدم نیاز به اعتراض عدم تأدیه و مجهول بودن زمان اعتراض ذکر کرده‌اند. (نصیری و غلامیان حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۸۷) که با تصریح ماده ۲۸۶ ق.ت. مبنی بر عدم استغنائی از اعتراض عدم تأدیه با ورشکستگی، ایراد اول بی‌وجه است، لکن خلأ قانونی در خصوص زمان اعتراض وجود دارد، در این خصوص با ابتدای بر ماده ۴۲۱ ق.ت. و حال شدن همزمان با حکم ورشکستگی، به نظر در این موارد، شروع مهلت اعتراض را باید از زمان صدور یا تاریخ اعلان حکم ورشکستگی دانست.

در خصوص آثار ورشکستگی نسبت به زمان پس از صدور حکم باید گفت هدف فرایند ورشکستگی پرداخت منصفانه مطالبات، حذف شرکت‌های ناتوان و در نتیجه رفع زمینه اتلاف سرمایه طرف‌های تجاری و اعطای فرصت مجدد به بدهکاران بی‌تقصیر است، از این‌رو، از تصرف و اجرای حقوق مالی ممنوع می‌شود. (فولادگر و ایزانلو، ۱۳۹۹: ۱۹۹) در همین راستا است که تمامی اقدامات وصولی قضایی و غیرقضایی علیه اموال وی منع می‌شود. (عیسائی تفرشی، شهبازی‌نیا و رمضانی‌آکردی، ۱۳۹۴)

آنها وجه رایج است، اقدامات مربوط به این اسناد از مصادیق بارز دخالت مالی محسوب می‌گردد.

ماده ۴۱۸ قانون تجارت به خوبی مبنای منع ورشکسته را لحاظ نموده است؛ بدین نحو که گستره ممنوعیت دخالت را تمام اموال و حقوق مالی وی و دایره آن را محدود به مواردی نموده است که «مؤثر در تأدیه دیون باشد»؛ نتیجه اینکه در امور مالی که مؤثر در تأدیه دیون ورشکسته نباشد از دایره ممنوعیت این ماده قانونی خارج بوده و با عدم انتقال این اختیارات به مدیر تصفیه (به عنوان قائم مقام ورشکسته)، خود وی یعنی تاجر ورشکسته توانایی انجام این امور را دارد.

با توجه به مطالب فوق و تأمل در ماده ۴۱۸ قانون تجارت و مفهوم مخالف آن، اولاً اداره امور غیرمالی تاجر، ثانیاً اداره و معاملات مالی که مؤثر در تأدیه دیون نباشد، از شمول ممنوعیت ناشی از حکم ورشکستگی خارج و در اختیار خود وی می‌باشد. در این خصوص برخی گفته‌اند: «اگر پس از صدور حکم ورشکستگی، تاجر براتی صادر کند این سند قابل ترتیب اثر نیست، بلکه حتی اگر دارنده آن، حقانیت خود را هم به اثبات برساند، در عداد غرما داخل نمی‌شود.» (فخاری، ۱۳۸۷: ۲۹) در صورت ورشکستگی برات‌گیر می‌توان جواز عدم لزوم ارائه برات برای قبولی را از مدلول ماده ۲۸۲ ق.ت. استنتاج کرد. عدم وضع ماده‌ای نظیر ماده اخیر در مورد اعتراض نکولی می‌رساند که مقنن ضرورتی به لزوم ارائه برات برای قبولی در صورت فوت یا ورشکستگی محال‌علیه او ندیده است. چه اینان نمی‌توانند برات را قبول نمایند. (اسکینی، ۱۳۹۲: ۷۲) در خصوص امتداد ممنوعیت ورشکسته باید گفت اگر ممنوعیت موضوع ماده ۴۱۸ مطلق بود، دارنده حق رجوع به ورشکسته را حتی پس از تسویه ورشکستگی نداشت، لکن ممنوعیت مذکور مقید به «تأثیر در پرداخت دیون» شده است. بنابراین، شاید فلسفه استفاده قانونگذار از واژه ممنوع به جای بطلان در همین راستا باشد. بر این اساس، باید قائل به امکان رجوع دارنده به ورشکسته پس از تسویه و تأدیه کلیه طلب سایر طلبکاران و خاتمه ورشکستگی بود، چه این ترتیب ضرری به سایر طلبکاران نمی‌رساند و تأثیری در تأدیه دیون ندارد.

بنابراین، کلیه تعهدات حاصل از اعمال حقوقی که تاجر ورشکسته در قالب اسناد تجاری ایجاد می‌نماید به حکم قانونی مواد مذکور باطل بوده و حتی دارنده با حسن‌نیت نمی‌تواند به ورشکسته مراجعه نماید، مگر پس از خاتمه ورشکستگی و پرداخت کلیه طلب سایر طلبکاران. آنچه به عنوان محدوده ممنوعیت باقی می‌ماند، دخالت ورشکسته در امور مالی مؤثر در تأدیه دیون اوست.

جهت تعیین مصادیق ممنوعیت و ترسیم دایره منع دخالت تاجر ورشکسته در خصوص امور و حقوق مالی ابتدا لازم است معنای دقیق عبارت «مؤثر در تأدیه دیون» در ماده قانونی ذکر شده تحلیل شود. آنچه از عبارت «مؤثر در تأیه دیون» قابل استفاده است، یعنی هرگونه دخالت که در پرداخت بدهی تأثیر داشته باشد واژه «مؤثر» در این ماده به طور مطلق به کار رفته است، حال آنکه مؤثر بودن به دو نحو ممکن است: تأثیر مثبت و تأثیر منفی. تأثیر مثبت زمانی است که به تأدیه و پرداخت دیون بیشتر کمک کند و تأثیر منفی در مقابل اثر مثبت، یعنی حالتی که وضعیت موجود ورشکسته و در واقع پشتوانه طلبکاران را به علت افزایش بدهی یا کاهش دارایی بدتر نماید. حال با توجه به تفسیر عبارت مؤثر در تأدیه دیون از جهت تعیین میزان اختیارات تاجر ورشکسته و مدیر تصفیه به عنوان قائم مقام او و از جمله بطلان یا عدم بطلان صدور، انتقال، ضمانت اسناد تجاری یا قبول برات از سوی تاجر ورشکسته به عنوان دارنده سند دو رویکرد متفاوت خواهد داشت.

۱. بطلان مطلق معاملات

در گزینش این مفهوم از عبارت «مؤثر بودن در تأدیه دیون» می‌توان اینگونه استدلال نمود که با توجه به اطلاق واژه «مؤثر» و عدم قید حالت منفی در قانون (ماده ۴۱۸ قانون تجارت) هرگونه دخالت در اموال و اختیارات مالی که در پرداخت دیون مؤثر باشد، از طرف تاجر ورشکسته ممنوع شده است، اگر قانونگذار در نظر داشت تأثیر در ادای دیون را محدود به تأثیر منفی نماید به آن تصریح می‌کرد؛ بنابراین به جهت حمایت مطمئن و عدم ایجاد زمینه سوءاستفاده ورشکسته به ضرر طلبکاران با توجه به اینکه شائبه آن می‌رود که دخالت تاجر ورشکسته در امور مالی دست‌کم امکان و فرصت تضییع حقوق آنان را فراهم گرداند، لذا تمامی اقدامات وی، در صورتی که به هر نحو مؤثر در تأدیه دیون باشد ممنوع است. با توجه به اینکه قانون این اختیار را صرفاً به مدیر تصفیه به عنوان قائم‌مقام او واگذار نموده است، کلیه اقدامات و اعمال حقوقی وی چه تأثیر منفی داشته باشد و چه اثر مثبت، با توجه به ممنوعیت مطلق وی باطل و بلااثر است.

این نظر مبنی بر نگاه محتاطانه و به نوعی بدبینانه نسبت به تاجری است که حکم ورشکستگی وی صادر شده است. رویکرد این دیدگاه محافظه‌کارانه، اگر چه ممکن است زمینه اقدام مضر ورشکسته به حال طلبکاران را بزدايد، لکن امکان و فرصت افزایش دارایی و به نفع آنان را نیز در این قسم منتفی می‌سازد. با پذیرش این نظر، یعنی ممنوعیت تاجر ورشکسته در کلیه

ق.ت.، یعنی هر گاه برای اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت لازم باشد، می‌تواند به عنوان دارنده واقع شود؛ زیرا با پذیرش نظر ممنوعیت معاملات به نحو مطلق، حتی انتقال مجانی و بدون عوض سند تجاری به تاجر ورشکسته هرچند به صورت مثبت، در تأدیه دیون او مؤثر است؛ از این رو بر اساس مفهوم ممنوعیت تأثیر مطلق، ورشکسته قانوناً از این عمل ممنوع است. همچنین بر مبنای این تفسیر از مقرر قانونی، به طریق اولی چنانچه سند تجاری متعاقب انجام معامله‌ای نیز ظهرنویسی شده و به تاجر ورشکسته منتقل گردیده است، هم معامله پایه و هم انتقال سند تجاری باطل است.

۲. بطلان معاملات دارای اثر منفی نسبت به دارایی ورشکسته

تفسیر دیگر از عبارت «مؤثر بودن»، شمول صرف دخالت در امور مالی با تأثیر منفی بر تأدیه دیون ورشکسته است. با پذیرش این نظر میزان ممنوعیت تاجر ورشکسته نسبت به تفسیر نخست کاهش می‌یابد؛ زیرا ممنوعیت وی محدود به اعمال حقوقی و هرگونه دخالتی است که منجر به اثر منفی در ادای بدهی‌های او گردد. این دیدگاه منطبق با دیدگاه «رویکرد اقتصادی» است که تنها هدف از ورشکستگی را تأمین منافع طلبکاران و پرداخت حداکثری دیون ورشکسته می‌داند. (طجلو، ۱۳۸۹: ۲۴۶) به طوری که نظام ورشکستگی متضمن یک نتیجه کارآمد مبتنی بر به حداکثر رسانیدن ارزش کل قابل تقسیم بین طلبکاران باشد. (هرت، ۱۳۸۵: ۷۷)^۱ البته در رویکرد جدید، نگهداری و تداوم حیات اقتصادی تاجر نیز به همان میزان اهمیت دارد. (طوسی، بیگدلو و کاویانی، ۱۴۰۰: ۳۲۳) در توجیه تفسیر تأثیر به صرف اثر منفی، می‌توان گفت عدم توانایی انجام معامله از سوی ورشکسته امری استثنایی است و باید محدود تفسیر گردد، مبنای منع دخالت تاجر ورشکسته در امور و اختیارات مالی، از بین بردن احتمال اقدام به ضرر طلبکاران است و ممنوع نمودن وی در تصرفات و اقداماتی که فقط به این هدف خدشه وارد می‌آورد، کافی است، چنانچه تاجر ورشکسته اعمالی انجام دهد که به تأدیه دیون کمک نماید، چرا نباید آن را مجاز دانست؟

از جهت پیشینه پژوهشی در این خصوص هیچ یک از حقوقدانان به تفکیک موضوع نپرداخته ولی عموماً بطلان را در تمامی معاملات پذیرفته‌اند. یکی از نویسندگان حقوق تجارت، کلیه معاملات تاجر درباره دارایی خود بعد از صدور حکم

امور مالی به نحو مطلق اعم از تأثیر مثبت و منفی در دیون، کلیه اعمال تاجری که پس از صدور حکم ورشکستگی نسبت به اسناد تجاری برات، سفته یا چک نموده باشد باطل است. بنابراین، اگر ورشکسته مبادرت به صدور این اسناد یا ظهرنویسی آنان کرده باشد، با توجه به مسئولیت تضامنی وی و تأثیر منفی این اعمال مالی نسبت به دیون، تحت شمول ممنوعیت صریح ماده ۴۱۸ و بطلان منبعث از مفهوم مخالف ماده ۵۰۰ قانون تجارت است، همچنین ضمانت ورشکسته از اسناد تجاری و قبول برات به عنوان براتگیر یا قبول شخص ثالث مصداق ممنوعیت و بطلان مواد ذکر شده واقع خواهد شد. شق دیگر دخالت در امور مالی تاجر پس از ورشکستگی زمانی است که وی متعهدله یعنی دارنده اسناد تجاری واقع می‌شود، با توجه به نقش اسناد تجاری در غالب موارد که در پی انجام معامله و به عنوان عوض یا وسیله‌ای برای حصول و دستیابی به عوض یعنی ثمن معامله واقع می‌شوند، در این موارد نیز دخالت در امور مالی و در اعمال اصولی مواد ۴۱۸ و ۵۰۰ ق.ت. باید عمل حقوقی وی به عنوان متعهدله را باطل دانست. اثر این بطلان ضرورت استرداد کالایی است که سند تجاری در مقابل آن از سوی ورشکسته اخذ شده است. در مواردی که معوض سند تجاری تعهداتی از سوی ورشکسته باشد، دو حالت را باید تفکیک نمود؛ چنانچه خدمت یا تعهد از سوی ورشکسته انجام شده باشد، قیمت آن باید از سوی طرف مقابل پرداخت شود، قیمت مزبور نیز باید تحویل مدیر تصفیه شود نه ورشکسته، تا صرف پرداخت دیون وی مطابق مقررات ورشکستگی گردد و در مقابل، سند تجاری به وی به عنوان صادرکننده یا ظهرنویس عودت شود. این راهکار مشتق از پیامد اصولی مقررات ممنوعیت و بطلان معاملات ورشکسته است.

حالت دیگر مواردی است که ورشکسته سند تجاری را به صورت رایگان و بلاعوض به عنوان دارنده اخذ نماید؛ در این صورت پذیرش انتقال سند تجاری به ورشکسته به عنوان دارنده، عملی ارادی و مشمول عنوان معاملات است و از جهت مالی بودن تحت حاکمیت مواد ۴۱۸ و ۵۰۰ ق.ت. است، لکن مفید بودن تأثیر مثبت آن در دارایی ورشکسته است که این شق را از مصادیق گفته شده، متمایز می‌نماید. آیا در انتقال رایگان سند تجاری به ورشکسته نیز باید حکم به ممنوعیت و بطلان داد یا به دلیل اثر مثبت آن را از دایره ممنوعیت خارج دانست؟ بر این مبنا می‌توان گفت انتقال سند تجاری به ورشکسته در هر صورت حتی رایگان نیز باطل است و صرفاً مدیر تصفیه آن هم در حدود ماده ۲۰۸

وی بلاعوض نبوده و مابه‌ازاء مالی صورت پذیرد به دلیل صدق دخالت در امور مالی و احتمال تأثیر منفی، معامله منشأ و عمل انتقال به وی (صدور یا ظهرنویسی) را باید باطل دانست.

بحث و نتیجه‌گیری

ورشکستگی یکی از رویدادهای زندگی تجاری است که موجب پیامدهای متعدد اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است؛ رویکرد حقوقی این پدیده سایر ابعاد را نیز متأثر می‌سازد. یکی از آثار مهم، رویکرد آن در معاملات ورشکسته است. منشأ تعهدات ناشی از اسناد تجاری، اعمال حقوقی است که تحت عناوین صدور، ظهرنویسی، ضمانت این اسناد و قبول برات محقق می‌شود؛ به تبع ماهیت حقوقی و معامله بودن این امور، ورشکستگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ملاک تعیین این آثار مواد ۴۲۳ ق.ت. و سایر مواد مربوطه است، لکن از آنجا که ویژگی‌های خاص بر این اسناد حاکم است، در قیاس با سایر معاملات، رویکردهای حقوقی متفاوت و خاص ایجاد می‌گردد، بسته به زمان ایجاد تعهد در دوران قبل از توقف، از توقف تا صدور حکم و پس از صدور حکم ورشکستگی، این اعمال گاه تحت تأثیر حق فسخ قرار می‌گیرد و گاه با بطلان مواجه می‌شود. قواعد و مقررات مربوط به ورشکستگی نظر به فلسفه آنها در جهت حمایت از طلبکاران و جلوگیری از تضییع حقوق و رعایت تساوی در برخورداری از اموال ورشکسته بوده، از قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی محسوب می‌شود. بنابراین، حتی در برابر دارنده باحسن‌نیت نیز باید اعمال گردد، با این توضیح حتی دارنده سند تجاری باحسن‌نیت و ناآگاه از ورشکسته بودن متعهد، نمی‌تواند به وی مراجعه نماید و مطابق ماده ۲۴۹ ق.ت. صرفاً حق رجوع به سایر متعهدین سند تجاری را دارد، البته ماده ۳ قانون چک‌های تضمین شده استثنایی بر بند دوم ماده ۴۲۳ قانون تجارت می‌باشد؛ زیرا ورشکستگی صادرکننده چک موضوع این ماده را در حق دارنده بی‌تأثیر دانسته است.

همچنین پس از صدور حکم ورشکستگی اصل بر ممنوعیت دخالت تاجر در امور مالی و از جمله اسناد تجاری است لکن شرط تأثیر در پرداخت دیون مصرحه در ماده ۴۱۸ قانون تجارت با امکان تفسیر به ممنوعیت و بطلان مطلق معاملات و تفسیر به انحصار منع و بطلان به معاملات مضر به حال طلبکاران (صرف تأثیر منفی)، موجب رویکردهای حقوقی متفاوت نسبت به مواردی است که ورشکسته بعد از صدور حکم ورشکستگی به عنوان دارنده این اسناد واقع شده است؛ تفسیر منع مطلق، تفسیری محافظه‌کارانه، محتاطانه و نزدیک به ظاهر قانون است و تفسیر تحدید ممنوعیت به معاملات

ورشکستگی را باطل دانسته‌اند، ولی در ادامه اظهار می‌نمایند: «در عمل اداره تصفیه فقط بطلان معاملاتی را که به زیان بستانکاران باشد، اعلام می‌دارد؛ زیرا اگر بعد از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر معامله یا اقداماتی نماید که مفید به حال بستانکاران باشد، خلاف منطقی و عقل است که چنین معامله‌ای باطل شود و اداره تصفیه با تنفیذ صریح یا ضمنی آن می‌تواند صحت معامله را تأیید نماید». (ستوده تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۸۲) به نظر می‌رسد که نویسنده مزبور، نوعی حالت غیرنافذ برای معاملات تاجر ورشکسته در این دوران قائل شده است، حال آنکه در ماده ۴۱۸ قانون تجارت ممنوعیت دخالت تاجر به طور کلی و همچنین در ماده ۴۲۳ قانون تجارت ضمانت‌اجرای بطلان و بلااثر بودن نسبت به برخی معاملات تاجر پس از توقف تا قبل از صدور حکم ورشکستگی تصریح شده است، هیچ کدام از مواد مربوطه به عدم نفوذ معاملات تاجر ورشکسته اشاره ننموده‌اند، به طوری که در دوران پس از توقف آنچه پیش‌بینی شده بطلان است. باید گفت در اظهارنظر مذکور به معنای تخصصی و حقوقی بطلان و اثر خاص آن توجه نشده است.

با توجه به توضیحات ذکر شده تفسیر واژه موثر به تأثیر منفی با توجه همسو بودن با فلسفه و مبنای نهاد ورشکستگی قوی‌تر و مناسب‌تر است؛ زیرا بطلان اعمال و اقدامات مثبت تاجر خود به ضرر طلبکاران تمام می‌شود، مبنای حمایت از طلبکاران تاجر ورشکسته ایجاب می‌کند، در مواردی که اقدام تاجر صرفاً نافع است و عرفاً هیچ ضرر احتمالی در پی ندارد، باطل تلقی نگردد. دخالت‌هایی که بر تأدیه دیون تأثیر منفی می‌گذارد شامل هرگونه دخالتی است که موجب افزایش بدهی تاجر ورشکسته یا ایجاد مانع و یا سخت‌تر نمودن پرداخت دیون نسبت به وضعیت قبل از دخالت و اقدام مزبور گردد لکن سایر اقدامات و از جمله اعمال حقوقی و معاملات تاجر که در پرداخت دیون تأثیر مثبت داشته باشد، باطل نبوده و صحیح است؛ تأثیر مثبت می‌تواند به صورت افزایش دارایی موجود تاجر ورشکسته یا کاهش بدهی‌های او و یا ایجاد هرگونه تسهیل در پرداخت قروض وی باشد.

با پذیرش این تفسیر انتقال سند تجاری به تاجر ورشکسته به عنوان دارنده، چنانچه به صورت رایگان و بلاعوض بوده و هیچ تعهد مالی برای او ایجاد ننماید، نه تنها تأثیر منفی در پرداخت دیون نداشته، بلکه می‌تواند موجب افزایش دارایی او شده و در راستای مصلحت طلبکاران می‌باشد، بر همین مبنا عمل حقوقی صدور یا ظهرنویسی و در نتیجه انتقال سند تجاری به وی را باید صحیح دانست. البته چنانچه انتقال سند تجاری به

اهداف غایی و اجتماعی ورشکستگی در این بخش از عملیات بازرگانی است و کارایی نهاد ورشکستگی را افزایش می‌دهد.

دارای اثر منفی بر دارایی ورشکسته، متضمن اثر حمایتی از طلبکاران و رویکرد پرداخت حداکثری دیون تاجر است. تعبیر اخیر در راستای

References

- Alizadeh, Amir Hossein; Alizadeh, Qasim. (2017). "The effect of the law on the execution of financial judgments on the rules of bankruptcy of individuals, their debt claims and transactions with the intention of escaping from debt". *Judiciary Quarterly*, No. 92, pp. 103-137. (In Persian)
- Almasi, Nejad Ali; Shams, Ehsan. (2017). "Substantive Law Governing Bankruptcy". *Private Law Research*, Vol. 5, No. 19, pp. 9-43. (In Persian)
- Azami-Zanganeh, Abdul Hamid. (1967). *Commercial Law*. 3th. Tehran: Bi-Na. (In Persian)
- Badini, Hassan; Koshki, Mustafa. (2020). "Rules governing the bankruptcy of commercial companies from the perspective of protecting the workforce". *Legal Research*, Vol. 23, No. 90, pp. 11-34. (In Persian)
- Banai-Eskuyi, Majid. (2015). "Criticism of the decision to invalidate bankrupt transactions between the suspension and the issuance of the bankruptcy order". *Judicial Opinion Studies Quarterly*, Vol. 12, pp. 17-34. (In Persian)
- Demarchili, Mohammad; Hatami, Ali; Qaraei, Mohsen. (2005). *Trade Law and Current Legal Order*. 4th edition. Tehran: Misagh Adalat. (In Persian)
- Eisa Tafarshi, Mohammad; Shahbazinia, Morteza; Ramezani-Akerdi, Habib. (2015). "The Rule of Suspension or Spontaneous Termination of Bankruptcy Proceedings (Comparative Study in American and Iranian Laws)". *Private Law Research*, Vol. 4, No. 12, pp. 61-86. (In Persian)
- Eisa Tafreshi, Mohammad; Shahbazi Niya Morteza; Shirvani, Khadijah. (2019). "Differentiations of banks from commercial companies and the effect of these distinctions on the bankruptcy system (a comparative study of American and Iranian law)". *Comparative Law Research*, Vol. 23, No. 2, pp. 83-108. (In Persian)
- Erfani, Mahmoud. (2006). *Business Law*. Vol. 3. 2th. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Erfani, Mahmoud. (2003). *Business Law*. Vol. 4. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Erfani, Mahmoud. (1996). "Invalidation of bankrupt merchant's transactions after suspension; Review and criticism of the unanimous decision 561 dated 28/3/1370 of the General Board of the Supreme Court". *Legal Perspectives*, Vol. 1, pp. 193-200. (In Persian)
- Fakhari, Amir Hossein. (2008). *Legal Thoughts (3): Business Law*. 1th. Tehran: Majd.
- Fouladgar, Fariba; Izanlou, Mohsen. (2020). "Comparative study of the implementation of maritime privilege in bankruptcy proceedings". *Judicial Law Journal*, Vol. 84, No. 111, pp. 193-216. (In Persian)
- Hassaani, Hassan. (2005). *Business Law*. 3th. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Hurt, Oliver. (2016). "Different Approaches to Bankruptcy". translator; Korosh Kaviani and Shahin Shami Aghdam, *Legal Perspectives*, Vol. 40 & 41, pp. 73-89. (In Persian)
- Katebi, Hossein Gholi. (1996). *Business Law*. 7th. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Mohammadzadeh Vadghani, Alireza; Kaviani, Koresh; Begdello, Behnam. (2020). "The concept of stopping merchants with a comparative study in other legal systems". *Private Law Studies*, Vol. 50, No. 2, pp. 399-417. (In Persian)
- Najafi Javaheri, Sheikh Mohammad Hasan. (1983). *Jewels of speech in*

- explaining the laws of Islam*. vol. 25. 7th edition. Beirut: Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi. (Arabic)
- Nasiri, Mustafa; Gholamian-Hosseini-Abadi, Somia. (2020). *Business Law 3*. Tehran: Payame Noor University. (In Persian)
- Khazaei, Hossein. (2006). *Trade Laws (Commercial Documents)*. Volume 3. 1th. Tehran: Law Publishing. (In Persian)
- Rabbani Birjandi, Muhammad Hasan. (2009). *Applied dictionary of fundamentalist rules in Imami jurisprudence*. Vol. 4, Qom: Bostan (Alkitab of the publications of the School of Islamic Education in the Al-Hawza Al-Elamiyya of Baqom). (Arabic)
- Rahmdel, Mansour. (2007). "Bankruptcy due to fault". *Law Quarterly, Faculty of Law and Political Sciences*, University of Tehran, 2016, No. 2, pp. 113-138. (In Persian)
- Ramezanzadeh, Umm al-Banin; Hosseini-Moghadam, Seyed Hasan. (2021). "The effect of bankruptcy on the application of Article 3 of the Law on the Execution of Financial Convictions 1394". *Private Law Studies*, Vol.51, No 2, pp. 254-239. (In Persian)
- Sadeghi, Mohammad; Abbaspour, Subhan (2021), "Management of Hasba on Bankruptcy Crisis in Islamic Economic Law", *Teachings of Civil Jurisprudence*, Vol. 13, No. 23, pp. 173-201. (In Persian)
- Safai, Seyyed Hasan; Qasim-zadeh, Syed Morteza (2008), *civil rights: individuals and prisoners*, 14th edition, Tehran: Samt. (In Persian)
- Seyed Ahmadi-Sajadi, Seyed Ali; Bagharian, Amir (2015), "Investigating the causes and legal aspects of Enron's American bankruptcy with an emphasis on the rights of American companies", *Danesh Economic Law*, Vol.23, No. 7, pp. 67-93. (In Persian)
- Shahbazinia, Morteza; Ramezani-Akerdi, Habib. (2014). "Bankruptcy of several officials of commercial documents and the holder's right of appeal in Iranian and American law". *Comparative Law Research*, Vol.16, No. 2, pp. 127-149. (In Persian)
- Simai Saraf, Hossein; Amini, Vahid. (2020). "The specific legal system of bank bankruptcy; Why and legal framework". *Business Research Journal*, Vol. 94, pp. 259-299. (In Persian)
- Skini, Rabia. (2013). *Comparative Business Law*. 2th. Tehran: Majd. (In Persian)
- Skini, Rabia. (2008). *Business Law, Bankruptcy and Liquidation of Bankruptcy Affairs*. 11th edition. Tehran: Samt. (In Persian)
- Solhi, Ehsan; Soltani, Mohammad. (2021). "Analysis of legal capital and its function in protecting the rights of creditors". *Private Law Studies*, Vol. 51, No. 2, pp. 295-312.
- Sotoudeh Tehrani, Hassan. (2004). *Trade Laws*. Vol. 3, 8th edition, Tehran: Dadgostar Press. (In Persian)
- Sotoudeh Tehrani, Hassan. (2008). *Business Law*. Vol. 4. 9th edition. Tehran: Dadgostar Press.
- Tajarlo, Reza. (2010). "Investigation of the theoretical foundations of bankruptcy law in the American and English legal systems". *Law Quarterly, Journal of the School of Law and Political Science*, Vol. 40, No. 2, pp. 257-239. (In Persian)
- Taleb-Ahmadi, Habib. (2014). "Tbilisi cucumber and creditors' rights in bankruptcy". *Nama Mofid*, Vol. 43, pp. 169-186. (In Persian)
- Tousi, Abbas; Bigdlo, Behnam; Kaviani, Koresh. (2021). "Policy of restarting merchants as a new perspective in bankruptcy law systems". *Private Law Studies*, Vol. 51, No. 2, pp. 312-333. (In Persian)